

«با اتحاد پیروز میشویم، با افتراق شکست میخوریم»

بازداشتی های مراسم روز جهانی کارگر آزاد باید گردند

- شب شعر معلم چهارشنبه 10 مهر، به مناسبت ۱۳ مهر (۵ اکتبر) روز جهانی معلم، شب شعری در تهران برگزار شد

- تجمع اعتراض کارگران راه آهن بندر عباس نسبت به پایمالی حقوق شان پس از خصوصی سازی مقابل دادگستری

- پایان اعتصاب کارگران پروژه سد شوریجه سرخس بدنبال پرداخت بخشی از مطالباتشان

- پرداخت 3 ماه حقوق معوقه کارگران کارخانه هپکو (باستثنا حدود 100 نفر) و ادامه بلاتکلیفی شغلیشان علیرغم هیاهوها و تبلیغات جناحی

- انتقال فعال کارگری کامران ساختمانگر به زندان مرکزی سنندج و تعیین وثیقه 500 میلیون تومانی برای آزادی موقتش

- بالا کشیدن حق اضافه کاری کارگران پیمانی بخش تعمیرات شرکت بهره برداری نفت و گاز شرق سرخس و سکوت معنی دار مسئولین این شرکت زیر مجموعه شرکت ملی نفت ایران

- دربردی وسایه شوم مرگ بالای سر صدها هزار کارگر همچون ایوب امینی و بی تفاوتی مسئولین امر

- جان باختن کارگر پاکبان شهرداری مشهد حین کار بر اثر اصابت گلوله نیروهای انتظامی به وی

- جان باختن 2 نفر حین کار گردوچینی بر اثر سقوط از درخت

- مصدومیت 60 نفر در فصل گردوچینی سال جاری در استان آذربایجان شرقی بدنبال سقوط از درخت

- پیدا شدن جسد 2 کارگر مفقود اثر حادثه درگیری باغداران زیتون طارم با آنها در سد سپیدرود

*شب شعر معلم چهارشنبه 10 مهر، به مناسبت ۱۳ مهر (۵ اکتبر) روز جهانی معلم، شب شعری در تهران برگزار شد

این مراسم با خیر مقدم دبیرکل کانون صنفی معلمان تهران و سخنان کوتاهی پیرامون تاریخچه روز جهانی معلم آغاز شد. در ادامه مراسم اشعاری توسط جمعی از دوستان، معلمان و اعضای کانون صنفی معلمان قرائت شد.

همچنین شعرهایی از معلمان زندانی؛ عبدالرضا قنبری، محمود بهشتی، محمد حبیبی و اسماعیل عبدی توسط دوستان خوانده شد.

به امید روزهای پربارتر برای آموزش کشور

کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

***تجمع اعتراض کارگران راه آهن بندر عباس نسبت به پایمالی حقوق شان پس از خصوصی سازی مقابل دادگستری**

روز پنج شنبه 11مهر، کارگران راه آهن بندرعباس برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به خصوصی سازی و پایمال شدن حق و حقوقشان از طرف شرکت تراورس پس از واگذاری دست به تجمع مقابل دادگستری بندرعباس زدند.

***پایان اعتصاب کارگران پروژه سد شورجه سرخس بدنبال پرداخت بخشی از مطالباتشان**

کارگران پروژه سد شورجه سرخس بدنبال پرداخت بخشی از مطالباتشان و وعده پرداخت مابقی طلبشان به اعتصابشان خاتمه دادند.

کارگران پروژه سد شورجه سرخس در استان خراسان رضوی برای اعتراض به عدم پرداخت 6ماه حقوق و مطالبات دیگر از روز یکشنبه 31 شهریوردست از کار کشیده بودند.

بنابه گزارش 11مهر یک منبع خبری محلی، مدیراین پروژه گفت:حقوق فروردین ماه امسال به صورت کامل و ۵۰ درصد از حقوق اردیبهشت ماه به صورت مساعده به کارگران سد شورجه پرداخت شده است و این پروژه هم اکنون فعال است.

وی درباره پرداخت مابقی حقوق کارگران گفت: کارگران 4ماه و نیم به اضافه بخشی از سنوات سال 97 را از ما مطالبه دارند که پیگیر هستیم تا مطالباتمان را از شرکت آب منطقه‌ای دریافت کنیم و معوقات کارگران سد شورجه را پرداخت کنیم.

در همین رابطه:

دومین روزاعتصاب کارگران سد شورجه سرخس دراعتراض به عدم پرداخت 6ماه حقوق و مطالبات دیگر

روز دوشنبه اول مهر برای دومین روز متوالی، کارگران سد شورجه سرخس در استان خراسان رضوی دراعتراض به عدم پرداخت 6ماه حقوق و مطالبات دیگر به اعتصابشان ادامه دادند.

روز دوشنبه 1مهر، یکی از کارگران سد شورجه سرخس به خبرنگار یک منبع خبری محلی گفت: کارگران سد شورجه سرخس روز از اسفندماه سال 97 و 6 ماه هم از سال معوقه حقوق و سنوات دارند و به همین دلیل از روز گذشته دست به اعتصاب زدند.

وی با تاکید بر اینکه کارگران این سد امنیت شغلی هم ندارند، افزود: هر زمان اعتراضی نسبت به پرداخت حقوق و سنوات داریم، مدیران سد حرف از اخراج می زنند.

این کارگر شاغل در سد شورجه سرخس بیان کرد: کارگران سد شورجه سرخس سال گذشته حدود 185 نفر بودند که امسال به دلیل بی مهوری ها در پرداخت حقوق و سنوات به 65 نفر رسیدند.

کاظم جم مدیر روابط عمومی شرکت آب منطقه‌ای خراسان رضوی نیزگفت: کارگران سد شورجه از روز گذشته در اعتراض به معوقات حقوق خود کار را تعطیل کردند.

وی افزود: امروز نیز درباره موضوعات مرتبط با حوزه آب شهرستان سرخس با مسئولان این شهرستان در مشهد جلسه‌ای داریم و یکی از موضوعات مورد بررسی نیز همین عقب افتادن حقوق کارگران سد شوریجه است.

سد مخزنی شوریجه سرخس از نوع خاکی بوده و هدف از اجرای آن، تامین آب شرب مشهد و تامین آب کشاورزی منطقه است. این سد بر روی رودخانه کشف رود در 2 کیلومتری روستای پل گزی از توابع بخش مرزداران شهرستان سرخس قرار دارد و بودجه آن از صندوق توسعه ملی تامین و اعتبارات آن کاملاً مجزا است.

***پرداخت 3 ماه حقوق معوقه کارگران کارخانه هپکو (باستثنا حدود 100 نفر) و ادامه بلاتکلیفی شغلیشان علیرغم هیاهوها و تبلیغات جناحی**

3 ماه حقوق معوقه کارگران کارخانه هپکو (باستثنا حدود 100 نفر از کارگران دفتر مرکزی شرکت) پرداخت و بلاتکلیفی شغلیشان علیرغم هیاهوها و تبلیغات جناحی بدلیل عدم تعیین تکلیف با وضعیت سهامداری شرکت کماکان ادامه دارد.

***انتقال فعال کارگری کامران ساختمانگر به زندان مرکزی سنندج و تعیین وثیقه 500 میلیون تومانی برای آزادی موقتش**

روز پنجشنبه 11 مهر، کامران ساختمانگر پس از یک ماه بازداشت و بی خبری خانواده از وضعیتش به زندان مرکزی سنندج منتقل شد و برای آزادی موقتش وثیقه 500 میلیون تومانی تعیین کردند.

***بالا کشیدن حق اضافه کاری کارگران پیمانی بخش تعمیرات شرکت بهره برداری نفت و گاز شرق سرخس و سکوت معنی دار مسئولین این شرکت زیر مجموعه شرکت ملی نفت ایران**

ما کارگران پیمانی بخش تعمیرات شرکت بهره برداری نفت و گاز شرق سرخس که نزدیک به 3 ماه است که قراردادمان به صورت طبقه بندی در آمده است و متن قراردادمان 44 ساعت در هفته کار و یک روز استراحت ذکر شده است و ما هر روز 8 ساعت و 45 دقیقه کار میکنیم البته به جز روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه که 7 ساعت و 45 دقیقه تایم کارییمان میباشد بنابراین ما یک روز در هفته باید به اجبار و به صورت اضافه کاری در سر کار حاضر شویم و در نتیجه ما در هفته 52 ساعت کار میکنیم که هر هفته 8 ساعت اضافه کاری میکنیم و چون در ماه 4 هفته داریم مجموعاً میشود 32 ساعت اضافه کاری ولی نزدیک به 3 ماه است که هیچ نوع مبلغی جهت این اضافه کاری به ما پرداخت نمیشود و در حق ما کارگران ظلم میکنند و ضمن اطلاع رسانی به مسئولین و اجرای قانون هیچ نوع عمل و اقدامی مشاهده نکردیم و عقیده رئیس تعمیرات این است که اگر این تایم اضافه کاری آنان لحاظ شود دیگر کارگران کمتر اضافه کاری بعد تایم کاری می ایستند و با توجه به کمبود نیرو بهتر است که به قانون عمل نشود تا کارگران مجبور شوند بیشتر کار و اضافه کاری کنند چطور ممکن است اینطور مسئولی خلاف قانون عمل کند و هیچ کس مانع کار او نشود و حق این همه کارگر و زن و بچه آنها ان هم بعد این همه سال که پیمان طبق اداره قانون کار شده را ندهد و خلاف قانون عمل کند این چه نوع اجرای پیمان طبقه بندی است؟

برگرفته از شبکه های اجتماعی

*درگیری وسایه شوم مرگ بالای سر صدها هزار کارگر همچون ایوب امینی و بی تفاوتی مسئولین امر

نگرانی 800 هزار خانواده بیکار، یک نگرانی بسیار جدی است؛ این خانواده‌ها که بیشترین آسیب را از رکود بخش ساختمان متحمل شده‌اند، مجبور هستند برای کسب روزی به هر دری بزنند؛ از دستفروشی در گوشه و کنار شهرهای بزرگ گرفته تا مهاجرت اجباری به شهرهای دور، به جاهایی که هر آن، مرگ ناگهانی در کمین نشسته است.

شاید برای خیلی‌ها «ایوب امینی» تنها یک اسم باشد در رسانه‌ها؛ اسمی از یک کارگر متوفی که یکی از روزهای ابتدایی پاییز، دور از خانه و کاشانه، در جزیره کیش بر اثر برق‌گرفتگی آنی جان خود را از دست می‌دهد و تنها چند روز بعد از مرگ قطعی او در یک مرکز درمانی است که خانواده این کارگر که در یک روستای دورافتاده سنج زندگی می‌کنند، در جریان این اتفاق دردناک قرار می‌گیرند.

«ایوب امینی» نامی از یک کارگر فصلی است که از زور بیکاری مجبور شده است صدها کیلومتر دور از خانه و خانواده و بدون برخورداری از بیمه کار کند و در نهایت روزی که جان خود را از دست می‌دهد باید در سردخانه بیمارستان بماند تا خانواده‌اش خبردار شده و به کیش بروند و برای دریافت جنازه مجبور شوند به مرکز درمانی مبلغی نه چندان کم بپردازند تا در نهایت بتوانند، ایوب را به خانه بازگردانند؛ در واقع جنازه بیجان ایوب را....

اینکه این کارگر ساختمانی دور از خانه و کاشانه جان خود را از دست داده، به غایت دردناک است اما اینکه هیچ نام و نشانی از این کارگر هیچ‌کجا نیست و هیچ حقوقی حتی بعد از مرگ، شامل حالش نمی‌شود، باز هم دردناکتر است؛ این کارگر بیمه نداشته و دستش به هیچ‌کجا بند نیست؛ حتی جسم بیجان او در همه زمین و آسمان یک ستاره ندارد.

ایوب امینی هیچ نشانی ندارد

به خانواده‌ی ایوب امینی از آنجا که مشمول بیمه کارگران ساختمانی نبوده، مستمري تعلق نمی‌گیرد؛ میکائیل صدیقی (رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی استان کردستان) در ارتباط با این کارگر می‌گوید: ما در مورد وضعیتش تحقیق کردیم؛ این کارگر نه بیمه داشته و نه انجمن صنفی و یا حتی تامین اجتماعی و اداره کار اطلاعی از وضعیتش دارند؛ از آنجا که بیمه نبوده، مستمري به بازماندگانش تعلق نمی‌گیرد.

پس چه باید کرد؛ چه کسی مسئول مرگ این کارگر است و چگونه خانواده‌اش می‌توانند از حق و حقوق خود دفاع کنند؛ صدیقی می‌گوید: «چون بیمه ندارد از نظر تامین اجتماعی چیزی به او تعلق نمی‌گیرد؛ تنها راهی که خانواده‌اش دارد این است که از کارفرما به مراجع قضایی شکایت کند که این کار هم برای خانواده‌ای که سرپرستش فوت کرده و وضع مالی مناسبی ندارد، بسیار سخت است؛ چطور خانواده‌ای که خودش ساکن روستای سنج است، می‌تواند از کارفرمایی که ساکن کیش است، به دادگاه‌های کیش شکایت کند؟ این خانواده نه آنقدر پول دارد که به وکیل بدهد تا پیگیر کارش باشد نه خودش که در شهرستان دیگری است می‌تواند پیگیر شکایت شود؛ بسیار بعید نیست که پرونده «ایوب امینی» همینجا بسته شود....»

اما ریشه همه دردهای ایوب امینی و خانواده‌اش در بیکاری است؛ وقتی کار نباشد، کارگران ساختمانی تبدیل به کارگران فصلی می‌شوند و مجبورند دنبال کار به همه جا بروند؛ مخصوصاً کارگران

ساختمانی ساکن استان‌های محروم مانند کردستان که در اثر بیکاری، مجبورند صدها کیلومتر دور از خان‌ومان به کار فصلی روزمزدی بپردازند؛ یا به کیش و قشم بروند یا به تهران و کلانشهرها یا در نهایت به کردستان عراق.

صدیقی در این رابطه می‌گوید: کارگران استان کردستان به دلیل نبود کارخانجات و کار و تولید مجبورند کار ساختمانی انجام دهند؛ اگر در مریوان کارخانه و واحد صنعتی باشد کارگران نمی‌روند کردستان عراق یا کیش یا پایتخت.

او در ارتباط با میزان درآمد این کارگران می‌گوید: درآمدها خیلی کم است؛ چون کارگر فصلی هستند، روزی کار دارند و روز دیگر کار ندارند؛ لاجرم اگر درآمدها را در طول سال در نظر بگیریم، به طور متوسط به ماهی یک میلیون و 700 هزار تومان هم نمی‌رسد؛ چون فصلی هستند، اوضاع اینگونه است.

سرنوشت دردناک کارگران حادثه‌دیده

«بیکاری» و رکود در بخش ساختمان، کارگران ساختمانی را مجبور می‌کند که هم‌سرنوشت «ایوب امینی» شوند؛ کار با کمترین میزان درآمد و بدون برخورداری از خدمات حمایتی؛ در صورتی که حادثه کار رخ بدهد، اگر «بیمه تامین اجتماعی» نباشند، تنها راه پیگیری از طریق مراجع قضایی و شکایت از کارفرما در این مراجع است که در اکثر مواقع، خانواده‌های کم‌بضاعت کارگران متوفی یا مصدوم، از خیر شکایت می‌گذرند و ناگزیر عطای غرامت را به لقای راهروهای طولانی و کشدار دادگاه‌ها می‌بخشند اما حتی اگر بیمه هم باشند، دریافت غرامت فوت، از کار افتادگی یا مستمری چندان ساده نیست.

صدیقی در ارتباط با سرنوشت کارگران حادثه‌دیده که بیمه هستند، اینگونه می‌گوید: «حتی اگر بیمه داشته باشند، در صورت فوت، تامین اجتماعی تنها مستمری به خانواده‌ی کارگر ساختمانی متوفی می‌دهد و دیه به این خانواده تعلق نمی‌گیرد؛ اما اگر حادثه منجر به فوت نشود، یا استراحت پزشکی و غرامت آن به کارگر تعلق می‌گیرد یا از کار افتادگی. برای استراحت پزشکی حتماً باید ساختمانی که کارگر در آن کار کرده مجوز شهرداری و پایان کار داشته باشد؛ در خیلی از استان‌ها و شهرستان‌ها به خصوص در حاشیه شهرها ساختمان‌ها اصلاً مجوز ساخت و ساز ندارند؛ کارفرماها عموماً به شهرداری مراجعه می‌کنند و به آنها گفته می‌شود کار را ادامه بده بعد ماده 100 بیا جریمه بده؛ در مریوان 60 درصد ساختمان‌ها اینگونه و بدون مجوز هستند و به همین دلیل غالباً سر کارگران حادثه دیده بی‌کلاه می‌ماند؛ ماده 5 تامین اجتماعی شرط گذاشته که تنها در صورتی استراحت پزشکی به کارگر حادثه دیده تعلق می‌گیرد که ساختمان مجوز شهرداری داشته باشد. برای گرفتن درصد و مستمری از کار افتادگی نیز کارگر باید مرارت‌های بسیار بکشد؛ «از کار افتادگی» هفت‌خوان رستم است که کمیسیون‌های آن در تامین اجتماعی هفته‌ها طول می‌کشد.»

نرخ بیکاری کارگران ساختمانی

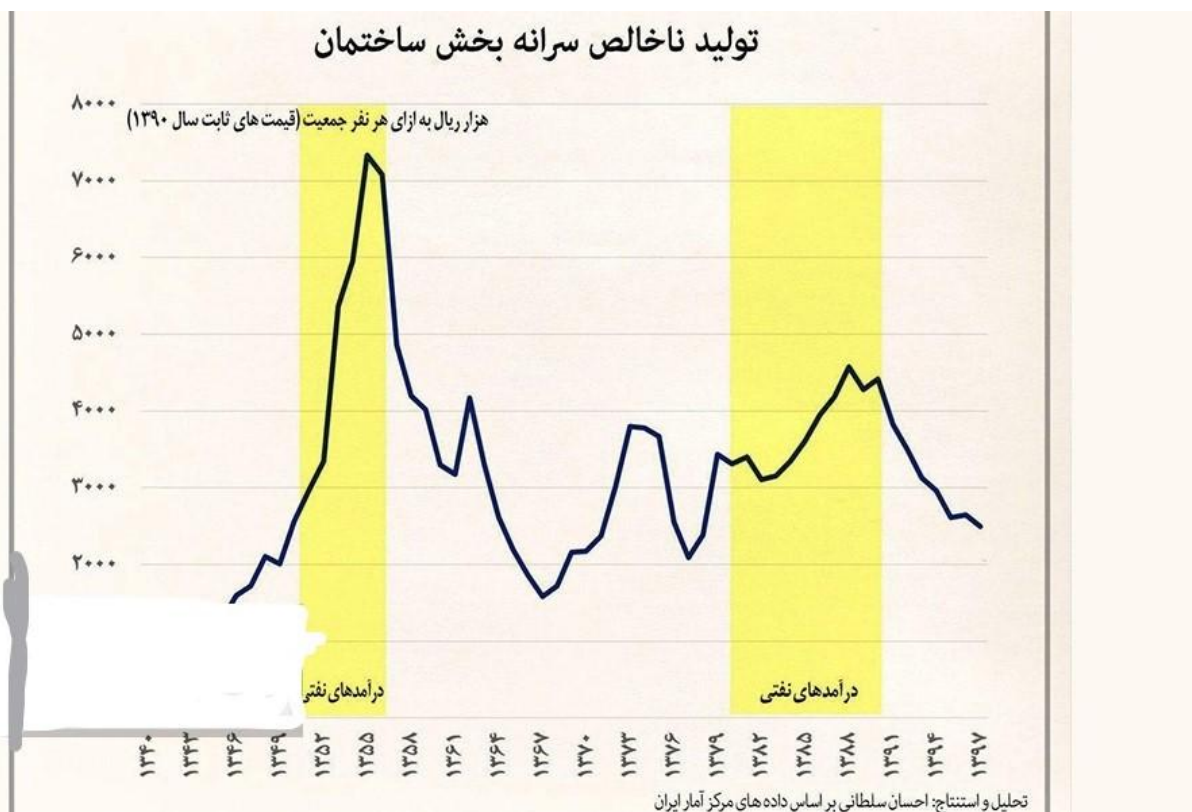
بیکاری و مهاجرت، فقط در «کردستان» کارگران ساختمانی را درگیر نکرده است بلکه پدیده‌ای است که در پی رکود شدید ساخت‌وساز و افزایش هزینه‌های ساخت، همه کارگران ساختمانی را در همه جای کشور درگیر کرده است؛ در حالیکه به گفته‌ی میکائیل صدیقی، نزدیک به 70 درصد کارگران و استادکاران ساختمان استان کردستان بیکار هستند.

با رجوع به آمارهای رسمی در حال حاضر در کشور، یک میلیون و 300 هزار کارگر در بخش ساختمان مشغول به کار هستند که با این حساب اکنون عدد بیکاری کارگران ساختمانی حدود 780 هزار است؛ در واقع می‌توانیم ادعا کنیم که حدود 800 هزار کارگر ساختمانی بیکارند. این 800 هزار نفر همان کسانی هستند که بسیار ساده می‌توانند سرنوشتی مانند «ایوب امینی» پیدا کنند.

چه میزان رکود داریم؟

رکود بخش ساختمان برای این 800 هزار نفر به شدت نگران‌کننده است؛ برآوردها نشان می‌دهد که در سال 98، هزینه تمام‌شده ساخت و ساز برای هر متر مربع ساختمان به بیشتر از سه میلیون تومان رسیده است و گرانی محصولات ساختمانی خارجی به گرانی تعمیرات انجامیده است. احسان سلطانی (کارشناس اقتصادی) معتقد است؛ سرانه تولید ساختمان کشور در سالهای 1398 و 1399 به کمتر از دوران جنگ و پیش از دهه پنجاه سقوط خواهد کرد.

او در نموداری، این کاهش چشمگیر را نشان داده است:



به گفته‌ی سلطانی، دو شوک ارزی در مدت 6 سال و به تبع آن کاهش قدرت خرید خانوارها و گسل‌های طبقاتی، عامل اصلی سقوط تولید ساختمان و قفل شونددگی بازار و استمرار روند کاهش تولید ساختمان در نیمه دوم سال جاری و سال آینده است.

این کارشناس اقتصادی ادامه می‌دهد: سلطه نئولیبرالیسم بر اقتصاد، اجرای پراشتباه طرح مسکن مهر و پس از آن سیاست گذاری‌های نئولیبرال وزارت مسکن در حوزه مسکن، منجر به سرمایه‌گذاری مازاد و افراطی در بخش مسکن لوکس و در سوی دیگر کمبود مسکن با قیمت مناسب جهت عامه مردم به ویژه در کلانشهرها گردیده است. بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری مسکن در بخش لوکس

انجام شده که منجر به ائتلاف منابع و سرمایه‌ها شده و در سوی دیگر بسیاری از مردم با مشکل تامین مسکن مواجه هستند. در این میان بانک‌های خصوصی با سرمایه‌گذاری در بخش مسکن لوکس (املاک منجمد) ضمن تشدید این بحران، زمینه‌ساز بحران بانکی نیز شده‌اند.

اما راهکار چیست؛ سلطانی معتقد است: «دولت بایستی با سیاستگذاری‌های لازم و حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و انبوه‌سازی صنعتی در مسکن مناسب (مانند سیاست‌های مالیاتی، ساخت مسکن کوچک و با قیمت مناسب و بازسازی بافت‌های فرسوده) جهت عامه مردم، ضمن مقابله با بحران مسکن، اشتغال بخش مسکن را حفظ کند.»

در این شرایط، نگرانی 800 هزار خانواده بیکار، یک نگرانی بسیار جدی‌ست؛ این خانواده‌ها که بیشترین آسیب را از رکود بخش ساختمان متحمل شده‌اند، مجبور هستند برای کسب روزی به هر دری بزنند؛ از دستفروشی در گوشه و کنار شهرهای بزرگ گرفته تا مهاجرت اجباری به شهرهای دور، به جاهایی که هر آن، مرگ ناگهانی در کمین نشسته است.

بخشی از یک گزارش رسانه ای شده بتاريخ 11مهر

***جان باختن کارگر پاکبان شهرداری مشهد حین کار بر اثر اصابت گلوله نیروهای انتظامی به وی**

روز چهارشنبه 10مهر، یک کارگر پاکبان 64 ساله شهرداری مشهد حین کار در خیابان مورد اصابت گلوله نیروهای انتظامی قرار گرفت و جانش را از دست داد.

بنابه گزارش رسانه ای شده، نیروهای کلانتری شهرک ناجای مشهد که در حال تعقیب دزدان فراری بودند با هدف قرار دادن وسیله نقلیه دزدان، چند تیرشلیک کردند که یک کارگر پاکبان 64ساله شهرداری مشهد بر اثر اصابت یکی از گلوله‌ها به وی در دم جانش را از دست داد.

***جان باختن 2نفر حین کار گردوچینی بر اثر سقوط از درخت**

مصدومیت 60 نفر در فصل گردوچینی سال جاری در استان آذربایجان شرقی بدنبال سقوط از درخت

طی هفته ای که پشت سر گذاشتیم 2نفر حین کارچیدن گردودر روستای هرزند جدید شهرستان مرند بر اثر سقوط از درخت گردو جان خود را از دست داد.

بنابه گزارشات رسانه ای شده بتاريخ 11مهر، در فصل گردوچینی سال جاری در استان آذربایجان شرقی 60 نفر نیز بدلیل سقوط از درخت مصدوم شدند.

***پیدا شدن جسد 2کارگر مفقودالثر حادثه درگیری باغداران زیتون طارم با آنها در سد سپیدرود**

جسد 2کارگر مفقودالثر حادثه درگیری باغداران زیتون طارم با آنها در سد سپیدرود پیدا شد.

ویراساس گزارش رسانه ای شده بتاريخ 11مهر، 4 نفر از عاملان اصلی این نزاع دستگیر شدند.

جهت اطلاع از ماجرای درگیری:

مفقودالثر شدن 2کارگر ومجروحیت شدید 6کارگر درشهرستان طارم بدنبال درگیری باغداران زیتون با آنها

بدنبال درگیری باغداران زیتون یکی از روستاهای شهرستان طارم در استان زنجان با کارگران، 2 نفر مفودالایتر و 6 کارگر شدیداً مجروح شدند.

فرمانده نیروی انتظامی شهرستان طارم روز چهارشنبه در این باره به خبرنگار رسانه ای گفت: در این حادثه که عصر یکشنبه ۳۱ شهریور ماه امسال رخ داد، تعدادی از کارگران غیربومی با باغداران زیتون در یکی از باغ‌های روستای هندی کندی شهرستان طارم ابتدا با یکدیگر به صورت لفظی درگیر شده و در ادامه درگیری فیزیکی پیدا می‌کنند که در این درگیری باغداران زیتون توسط کارگران مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند.

سرهنگ داود مرادی اظهار داشت: با وساطت ماموران و خارج کردن کارگران غیر بومی از روستا این نزاع دسته جمعی به پایان می‌رسد و برای جلوگیری از هر نوع تشنج و درگیری مجدد، کارگران غیر بومی در یکی از پاسگاههای انتظامی طارم شب را سپری می‌کنند.

وی عنوان کرد: فردای آن روز به علت شکایت این باغداران از کارگران، طرفین دعوا در دادگستری شهرستان حاضر شده و در نهایت با رضایت طرفین پرونده این درگیری مختومه اعلام می‌شود.

سرهنگ مرادی ضمن اشاره به حساسیت موضوع افزود: با توجه به ارزیابی های صورت گرفته و جهت جلوگیری از هر نوع درگیری مجدد، ماموران نیروی انتظامی طارم کارگران غیربومی را تا ۱۵ کیلومتر خارج از حوزه انتظامی شهرستان مشایعت می‌کنند.

فرمانده انتظامی شهرستان طارم ضمن تایید درگیری مجدد این دو گروه حوالی شهر منجیل در حوزه استحفاظی استان گیلان، خاطرنشان کرد: طبق اطلاعات به دست آمده این دو گروه برای بار دوم در جاده منجیل- طارم درگیر شده که از هشت کارگر ۶ نفر آنان به شدت مجروح شده که برای انجام اقدامات درمانی به بیمارستان ۳۱ خرداد شهر منجیل منتقل می‌شوند.

مرادی اظهار داشت: بعد از بهبودی کامل مجروحین و ترخیص آنها از بیمارستان، آنها اذعان می‌کنند که دو نفر دیگر از دوستانشان به علت شدت درگیری در سد منجیل سقوط کرده و غرق شده اند.

این مسئول خاطرنشان کرد: با توجه به اینکه نزاع اصلی در حوزه انتظامی استان گیلان صورت گرفته، جستجو برای پیدا کردن ۲ کارگر مفقود شده در این حادثه توسط غواصان ادامه دارد و همچنین علت و نحوه درگیری، توسط نیروی انتظامی شهرستان رودبار در دست تحقیق و بررسی است و اطلاعات تکمیلی متعاقباً اعلام خواهد شد.

akhbarkargari2468@gmail.com